

معاصر سازی شخصیت حضرت زینب علیها السلام: الگویی تمدنی برای زن مسلمان در
رویارویی با بحران‌های هویتی و رسانه‌ای جهان معاصر

زهرا کوهرساری^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳)

چکیده

در رویارویی با بحران‌های هویتی و هجمه‌های تمدنی عصر حاضر، بازخوانی شخصیت‌های تاریخ‌ساز اسلامی از جمله حضرت زینب علیها السلام، ضرورتی بنیادین در راستای بازتولید گفتمان زن مسلمان به‌شمار می‌رود. پژوهش حاضر با رویکردی تمدنی و گفتمانی، به تحلیل چندوجهی شخصیت حضرت زینب علیها السلام می‌پردازد و بر لزوم معاصر سازی الگویی آن حضرت در عرصه‌های هویتی، فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای تأکید دارد. این پژوهش نشان داد که حضرت زینب علیها السلام، نه تنها راوی نهضت عاشورا، بلکه کنشگری فعال، خردورز، رسانه‌ای و مقاوم در برابر نظام سلطه بود و این ویژگی‌ها می‌توانند به‌مثابه سرمایه‌های گفتمانی زن مسلمان امروز در تقابل با سلطه روایت‌های غرب‌محور و نابرابری‌های تمدنی عمل کنند. معاصر سازی شخصیت حضرت زینب علیها السلام، به معنای احیای عقلانیت معطوف به معنا، کنشگری اخلاق‌محور، و روایت‌گری حق‌طلبانه در زیست‌بوم امروز است. این پژوهش با تکیه بر منابع اسلامی، مطالعات زنان، جامعه‌شناسی دین و

۱. استادیار و عضو هیئت علمی گروه مطالعات زنان دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا (س)، (نویسنده مسئول)؛ z.koohsari@alzahra.ac.ir

گفتمان پژوهی، چارچوبی نظری برای الگوبرداری تمدنی از شخصیت حضرت زینب علیها السلام پیشنهاد می‌دهد و راهکارهایی برای پیاده‌سازی این الگو در نظام آموزشی، سیاست‌گذاری فرهنگی و تولید رسانه‌ای ارائه می‌کند.

کلید واژه‌ها: تمدن اسلامی، حضرت زینب علیها السلام، عاشورا، کنشگری رسانه‌ای، گفتمان مقاومت، معاصر سازی، هویت زن مسلمان.

مقدمه

در جهان پرتلاطم امروز که زن مسلمان با چالش‌های متعددی چون بحران هویت، سلطه گفتمان‌های غرب‌محور، رسانه‌های تحریف‌گر، و فشارهای فرهنگی روبه‌رو است، بازخوانی و معاصر سازی الگوهای اصیل دینی، به‌ضرورتی انکارناپذیر بدل شده است. یکی از برجسته‌ترین این الگوها، شخصیت تمدنی حضرت زینب کبری علیها السلام است که در بستر نهضت عاشورا، جلوه‌ای بی‌نظیر از کنشگری عقیقانه، خردمندانه و مقاومانه زن مسلمان را به‌نمایش گذاشت. حضرت زینب علیها السلام، نه‌تنها به‌عنوان خواهر امام حسین علیه السلام، بلکه به‌مثابه «رسول ثانی کربلا» (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۸۰)، پیام عاشورا را از میدان نبرد تا میدان بیان و از کربلا تا شام منتقل کرد و با خطابه‌های روشنگرانه خود، جهاد تبیین را به‌عالی‌ترین شکل ممکن محقق ساخت. حضور آگاهانه، سخن‌ورزی هوشمندانه و مقاومت روانی و فرهنگی حضرت زینب علیها السلام در برابر دستگاه اموی، نمونه‌ای تاریخی از «کنش ارتباطی مؤثر» در برابر امپراتوری رسانه‌ای آن دوران است که امروزه، می‌تواند الهام‌بخش زنان مسلمان در مواجهه با پروپاگاندای رسانه‌های معاصر باشد (نصر، ۲۰۱۰: ۹۲). از این منظر، معاصر سازی شخصیت زینب کبری علیها السلام، نه‌تنها به‌معنای به‌روزکردن نمادهای تاریخی نیست، بلکه فرآیندی است برای «استخراج ظرفیت‌های تمدنی و کاربردی شخصیت‌های الهام‌بخش» در مواجهه با مسائل روز (شاکر، ۱۴۰۰: ۵۱). حضرت زینب علیها السلام را باید الگویی فراتر از زمان دانست؛ زنی که در شرایط جنگ، اسارت، فاجعه و تحریف، توانست حافظ حقیقت، راوی عدالت و کنشگر تاریخ‌ساز باشد.

با این رویکرد، پرسش اصلی مقاله آن است که چگونه می‌توان ظرفیت‌های تمدنی و رسانه‌ای شخصیت حضرت زینب علیها السلام را به گونه‌ای بازخوانی کرد که برای زن مسلمان امروز، الگوافرین و راه‌گشا باشد؟ این پژوهش با تکیه بر منابع دینی، تاریخی و تحلیلی، درصدد واکاوی ابعاد شخصیتی و گفتمانی حضرت زینب علیها السلام و نسبت آن با کنشگری زن مسلمان در جهان معاصر است.

چارچوب نظری و ادبیات پژوهش

چارچوب نظری

برای تحلیل شخصیت حضرت زینب علیها السلام در نسبت با زن مسلمان امروز، این پژوهش از سه نظریه کلیدی بهره می‌برد:

الف) نظریه هویت (استوارت‌هال)

براساس نظریه هویت فرهنگی استوارت‌هال، هویت مفهومی سیال، تاریخی و گفتمانی است که در بستر تعامل با گفتمان‌ها و رسانه‌ها شکل می‌گیرد (Hall, 1996). با این رویکرد، معاصرسازی حضرت زینب علیها السلام، به معنای بازتعریف گفتمانی از شخصیت ایشان در بستر مسائل و بحران‌های امروزی زنان مسلمان خواهد بود؛ نه تحمیل قرائت‌های مدرن‌گرایانه بر ایشان.

ب) نظریه کنش ارتباطی (یورگن هابرماس)

حضرت زینب علیها السلام با کنش‌های گفتاری و خطابه‌های خویش، فضای عمومی تحریف‌شده شام را به فضایی برای گفت‌وگوی عقلانی و مقاومت فرهنگی بدل کرد. هابرماس معتقد است کنش ارتباطی عقل‌مدار، می‌تواند سازوکار مقاومت در برابر سلطه گفتمان‌های قدرت باشد (Habermas, 1984). شخصیت زینبی به طور دقیق در این چارچوب، قابل تحلیل است: سخنرانی به مثابه مقاومت.

ج) نظریه مقاومت فرهنگی (جیمز اسکات)

از منظر اسکات، مقاومت فرهنگی به اشکال «خرد، نامرئی و نمادین» شکل می‌گیرد (Scott, 1990). حضرت زینب علیها السلام در ظاهر، در وضعیت اسارت است، اما با زبان، روایت‌سازی، اشکال غیرعلنی اعتراض و حفظ کرامت، مقاومتی فرهنگی و نرم را علیه نظم سلطه‌گر اموی رقم می‌زند؛ الگویی که می‌تواند برای زنان امروز در برابر سلطه رسانه‌ها و نظام‌های سلطه فرهنگی، الگوآفرین باشد.

پیشینه پژوهش

مطالعه درباره شخصیت حضرت زینب علیها السلام در دهه‌های اخیر، به‌طور عمده در قالب متون روایی، تاریخی یا توصیفی انجام گرفته است؛ به‌گونه‌ای که تمرکز اصلی این آثار بر ابعاد اخلاقی، صبر، ایثار، فصاحت و بلاغت ایشان بوده، اما کمتر پژوهشی به‌بازخوانی تمدنی و معاصر از این شخصیت بزرگ در نسبت با چالش‌های زن مسلمان امروزی پرداخته است. از این‌رو، برخی پژوهش‌های انجام‌شده به‌شرح زیر است؛

۱. مطهری (۱۳۸۷)، در حماسه حسینی با تأکید بر نقش حضرت زینب علیها السلام در تداوم و تبیین نهضت عاشورا، از ایشان به‌عنوان «وارث حقیقی عاشورا»، «حامل پیام خون» و «راوی آگاه تاریخ» یاد می‌کند و نقش ایشان در جهاد تبیین را برجسته می‌سازد. هرچند نگاه مطهری تحلیلی و نوگرایانه است، اما در قالبی عمومی و غیرنظام‌مند ارائه شده است.
۲. طباطبایی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل روان‌شناختی شخصیت حضرت زینب علیها السلام»، کوشیده است تا با رویکرد روان‌شناسی اسلامی، توان روانی و ظرفیت معنوی حضرت زینب علیها السلام در رویارویی با بحران و مصیبت را تبیین کند. وی شخصیت زینب کبری علیها السلام را الگویی در مدیریت عاطفی، تاب‌آوری و کنترل هیجانی برای زنان در بحران‌های خانوادگی معرفی می‌کند.

۳. شریفی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «زن در عاشورا»، به‌بررسی ابعاد مختلف کنشگری زنان در نهضت عاشورا پرداخته و نقش حضرت زینب علیها السلام را در سطح اجتماعی و سیاسی بررسی کرده است. این پژوهش، نقطه عزیمت مهمی به‌سمت تحلیل

نقش زن مؤمنه در میدان‌های سیاسی و اجتماعی است، اما همچنان بدون چارچوب نظری مشخص برای معاصر سازی شخصیت زینبی در جهان رسانه‌ای امروز است.

۴. از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها مانند رسولی (۱۳۹۸)، با عنوان «زینب، رسانه‌ای برای عاشورا»، کوشیده‌اند تا نقش اطلاع‌رسانی و روایت‌سازی حضرت زینب (علیها السلام) را با مفاهیم ارتباطات و رسانه پیوند دهند. اما این آثار، بیشتر به شباهت‌های شکلی اشاره دارند و بدون تحلیل عمیق از مناسبات قدرت، گفتمان، و مقاومت در سطح تمدنی هستند.

در ادبیات غربی نیز آثار مستقیمی درباره حضرت زینب (علیها السلام) وجود ندارد، اما نظریه‌های هویت، مقاومت فرهنگی و کنش ارتباطی (همچون نظریه‌های استوارت‌هال، جیمزاسکات و هابرماس)، قابلیت تطبیق با شخصیت زینب کبری (علیها السلام) را دارند و پژوهش حاضر درصدد بهره‌گیری انتقادی از این چارچوب‌ها برای فهم ژرف‌تری از الگوبودن ایشان برای زنان مسلمان معاصر است.

بنابراین، خلأ مشخص پژوهشی در اینجاست که با نگاهی تمدنی - رسانه‌ای، به بازخوانی شخصیت حضرت زینب (علیها السلام) به مثابه کنشگر فرهنگی، روایت‌ساز مقاومت، و الگویی برای هویت‌یابی زن مسلمان در شرایط جهانی‌شدن، پردازد. پژوهش حاضر در پاسخ به این نیاز طراحی شده است.

اهداف پژوهش

هدف کلی

تبیین ضرورت و امکان بازخوانی تمدنی و معاصر شخصیت حضرت زینب (علیها السلام) به منظور الگوسازی برای زنان مسلمان در رویارویی با بحران‌های هویتی، فرهنگی و رسانه‌ای در جهان امروز است.

اهداف جزئی

۱. تحلیل ابعاد شخصیتی، گفتاری و رفتاری حضرت زینب (علیها السلام) در رویارویی با بحران عاشورا و پساعاشورا؛

۲. بررسی مؤلفه‌های کنشگری، مقاومت فرهنگی و روایت‌سازی در سیره حضرت زینب علیها السلام؛
۳. تطبیق ویژگی‌های شخصیتی و عملکردی حضرت زینب علیها السلام با چالش‌های زن مسلمان در جهان معاصر؛
۴. ارائه الگویی مفهومی از «زن کنشگر زینبی» با توجه به نظریه‌های هویت، مقاومت و کنش ارتباطی؛
۵. تبیین راهبردهایی برای معاصرسازی شخصیت زینب کبری علیها السلام در حوزه‌های تربیتی، رسانه‌ای، فرهنگی و اجتماعی زنان مسلمان.

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش با محوریت پرسش اصلی زیر طراحی شده است:

پرسش اصلی

چگونه می‌توان با بازخوانی تمدنی و معاصر از شخصیت حضرت زینب علیها السلام، الگویی مفهومی برای زن مسلمان امروز در رویارویی با بحران‌های هویتی و رسانه‌ای ارائه داد؟

پرسش‌های فرعی

۱. مهم‌ترین مؤلفه‌های شخصیتی، معرفتی و کنشگرانه حضرت زینب علیها السلام در نهضت عاشورا و پس‌عاشورا چیست؟
۲. حضرت زینب علیها السلام، چگونه در شرایط بحرانی با استفاده از زبان، روایت و مقاومت فرهنگی، هویت دینی را احیا و تثبیت کرد؟
۳. چالش‌های اصلی زنان مسلمان در جهان معاصر، به‌ویژه در حوزه رسانه، هویت و بازنمایی چیست و چگونه می‌توان از الگوی زینبی برای پاسخ به آن بهره گرفت؟
۴. چگونه می‌توان براساس نظریه‌های معاصر (هویت، مقاومت فرهنگی، کنش ارتباطی)، الگویی مفهومی برای بازنمایی زن زینبی در عصر جدید ارائه داد؟
۵. راهبردهای فرهنگی و رسانه‌ای برای تقویت گفتمان زن زینبی در جامعه امروز چیست؟



اهمیت و ضرورت پژوهش

شخصیت حضرت زینب کبری (علیها السلام)، نه تنها در بُعد تاریخی و دینی، بلکه در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و تمدنی جایگاهی ممتاز دارد. نقش‌آفرینی ایشان در نهضت عاشورا، به‌ویژه در مقطع پس‌عاشورا، تنها یک‌کنش فردی در برابر ظلم نبود، بلکه نوعی بازسازی گفتمان حق، احیای هویت دینی و تثبیت حقیقت تاریخی از طریق زبان، خطابه، مقاومت فرهنگی و مدیریت بحران بود (مطهری، ۱۳۸۷؛ شریفی، ۱۴۰۱).

در عصر حاضر، زنان مسلمان در سراسر جهان با چالش‌هایی چندلایه روبه‌رواند؛ از جمله بحران هویت در بستر جهانی‌شدن فرهنگی، سلطه رسانه‌ای گفتمان سکولار غربی، تحقیر جایگاه زن مؤمنه، و تلاش برای بازنمایی معکوس زن مسلمان در شبکه‌های جهانی (Esposito, 2002; Abu-Lughod, 2013). در چنین شرایطی، الگوهای دینی سنتی اگر بدون بازخوانی و معاصرسازی عرضه شوند، نه تنها پاسخ‌گوی نیازهای نسل جدید نیستند، بلکه ممکن است در رویارویی با هژمونی رسانه‌ای، دچار استحاله یا طرد اجتماعی شوند.

حضرت زینب (علیها السلام) با برخورداری از شخصیت چندبعدی - هم‌زمان فقیهه، مفسر، راوی، سخنور، کنشگر سیاسی و عاطفی، حافظ کرامت و حافظ تاریخ - قابلیت آن را دارد که به‌عنوان الگویی تمدنی برای زنان مسلمان معاصر معرفی شود؛ اما این مهم، تنها از مسیر بازخوانی نظری، گفتمانی و تمدنی شخصیت ایشان امکان‌پذیر است.

ضرورت این پژوهش از آن جهت است که خلأ جدی در تحلیل الگوهای مقاومت فرهنگی و روایت‌محور در گفتمان زن مسلمان مشهود است. در حالی که، نظریه‌پردازان غربی مانند جودیت باتلر، هابرماس و استوارت‌هال بر اهمیت بازنمایی، گفتمان و کنش ارتباطی در هویت‌یابی تأکید می‌ورزند، ما هنوز از ظرفیت‌های بی‌نظیر تاریخی - دینی خود در این حوزه غافلیم. حضرت زینب (علیها السلام) می‌تواند میان سنت اسلامی و نیازهای معرفتی - تمدنی زن امروز، به‌ویژه در حوزه‌هایی همچون رسانه، تربیت فرزندان، مقاومت نرم، و رویارویی با بحران‌های جهانی‌سازی حلقه واسطی باشد.

در نهایت، پژوهش حاضر با هدف ارائه الگویی معاصر از زن زینبی، تلاش دارد تا

خلاً گفتمانی موجود را پر کند و زمینه‌ای برای تولید معرفت زنانه دینی روزآمد و تمدن‌ساز فراهم آورد.

۱. شخصیت حضرت زینب علیها السلام: تحلیلی تمدنی و گفتمانی

حضرت زینب کبری علیها السلام را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان شخصیتی تاریخی یا نقشی حاشیه‌ای در حادثه عاشورا تحلیل کرد، بلکه ایشان را باید در مقام یک «کنشگر تمدنی»، «روایت‌ساز فرهنگی» و «نگهبان گفتمان دینی» مورد بررسی قرار داد؛ زنی که نه‌تنها در صحنه عاشورا حاضر بود، بلکه در پیچیده‌ترین وضعیت‌های پس‌عاشورا، مسئولیت احیای گفتمان توحیدی و ضد استبدادی نهضت حسینی را بر دوش گرفت (مطهری، ۱۳۸۷).

۱.۱. حضرت زینب علیها السلام: شخصیت چندبعدی در بستر بحران

نخستین مؤلفه تمدنی شخصیت حضرت زینب علیها السلام، جامعیت در ابعاد عقلی، عاطفی، دینی و سیاسی است. ایشان دختر امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام است و از نظر علمی، فقهی و تفسیری در زمره زنان فرهیخته اسلام به‌شمار می‌رود. خطبه‌هایی که در کوفه و شام از ایشان نقل شده، نشان‌دهنده تسلط کامل بر قرآن، تاریخ، فلسفه اجتماعی اسلام و فنون خطابه است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵: ۱۴۴؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱: ۳۵۷). حضرت زینب علیها السلام، نه‌تنها حافظ نهضت بود، بلکه با مدیریت عاطفی کاروان اسرا، تأمین روانی کودکان و زنان داغدار، و هدایت رسانه‌ای پیام نهضت، نشان داد که زن مسلمان در بطن بحران می‌تواند بازیگر اصلی صحنه باشد، نه صرفاً مفعول حوادث. این همان چیزی است که نظریه‌پردازان امروز از آن با عنوان «کنشگر بحران» یاد می‌کنند (Habermas, 1984).

۱.۲. روایت‌سازی به‌مثابه مقاومت فرهنگی

زینب علیها السلام در برابر ماشین رسانه‌ای اموی که هدف آن تحریف کامل عاشورا بود،

ایستاد و با کنش‌های گفتمانی و تولید روایت بدیل، نقش محوری در مقاومت فرهنگی ایفا کرد. او با خطابه در کوفه، تبیین هدف قیام در شام و افشای چهره واقعی یزید، نه تنها مخاطب را بیدار کرد، بلکه ساختار معنایی حاکم را به چالش کشید (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق: ۱۴۹؛ شریعتی، ۱۳۹۰).

این شیوه رویارویی با قدرت سلطه‌گر از درون زبان و روایت، مصداقی کامل از آن چیزی است که میشل فوکو از آن با عنوان «مقاومت در سطح گفتمان» یاد می‌کند؛ جایی که حقیقت در مقابله با نظام قدرت بازگو می‌شود، نه صرفاً با ابزار نظامی، بلکه با ابزار زبان (Foucault, 1972). حضرت زینب (علیها السلام) دقیقاً همین کار را کرد: ایجاد ضد روایت عاشورایی در رسانه رسمی شام.

۱.۳. کنشگری زینب گونه: بازتعریف نقش زن مسلمان

حضرت زینب (علیها السلام) در سپهر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن روزگار، کنشی از خود بروز داد که به روشنی نشان‌دهنده بازتعریف نقش زن در تمدن اسلامی است. در جامعه‌ای که حضور زن در عرصه‌های عمومی، به‌ویژه سیاسی و رسانه‌ای، کمتر اتفاق می‌افتاد، زینب (علیها السلام) با قدرت بیان و عقلانیت، گفتمان مقاومت را شکل داد. این الگو، نه تقلید از الگوی مردانه قدرت، بلکه الگویی مستقل، زنانه و اسلامی از قدرت نرم، عقل فعال، و دین‌باوری مقاوم بود (نصر، ۲۰۰۵؛ سبحانی، ۱۳۹۲).

شخصیت زینبی برخلاف تصویر کلیشه‌ای از زن مسلمان منفعل، نشان می‌دهد که زن می‌تواند حامل پیام، حافظ هویت و کنشگر تمدنی باشد، بدون آن‌که از هویت دینی‌اش عدول کند. این همان معاصر سازی مورد نیاز زن مسلمان امروز است: زن زینبی یعنی زنی که روایت‌گر تاریخ و حافظ گفتمان حق در تمدن مدرن باشد.

۱.۴. تحلیل خطبه‌های زینب (علیها السلام): زبان، قدرت و هویت

تحلیل گفتمان خطبه‌های حضرت زینب (علیها السلام) براساس روش تحلیل محتوای معنایی و کارکردی، نشان می‌دهد که او با زبانی غنی، متکی بر مفاهیم قرآنی، روش پرسش‌گری

انتقادی و بیان مقایسه‌ای بین «حق» و «باطل»، قدرت را به چالش می‌کشد (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۵: ۳۰۰). در خطبه شام، عباراتی چون «أُطْنِنْتَ يَا يَزِيدُ حَيْثُ أَخَذْتَ عَلَيْنَا أَفْطَارَ الْأَرْضِ وَأَفَاقَ السَّمَاءِ فَأَصْبَحْنَا نُسَاقُ كَمَا تُسَاقُ الْأَسَارَى» هم‌زمان عاطفه، اعتراض، قدرت و آگاهی تاریخی را با هم می‌آمیزد (مقرم، ۱۴۱۷ق: ۲۳۴).

این سبک خطابه‌ها، امروزه در نظریه‌های ارتباطی، نوعی کنش زبانی مقاومت‌محور شناخته می‌شود که هدف آن نه‌تنها انتقال معنا، بلکه بازتعریف روابط قدرت و هویت است (Butler, 1997; Austin, 1962).

۲. زن مسلمان امروز در آینه چالش‌های جهانی: بازخوانی هویت و کنشگری با الهام از الگوی زینبی

زن مسلمان امروز در عصر جهانی‌شدن، با چالش‌هایی چندوجهی در سطح هویت، کنش اجتماعی، رسانه، و بازنمایی فرهنگی روبه‌رو است؛ چالش‌هایی که نه‌تنها از بیرون (نظام گفتمانی غرب و رسانه‌های فراملی)، بلکه از درون جوامع اسلامی نیز متأثرند. در چنین بستری، ضرورت دارد الگویی تمدنی، معنابخش و پویا برای هویت و کنشگری زن مسلمان تعریف شود. الگوی زینبی، به‌عنوان نمونه‌ای متعالی از پیوند عقل، ایمان، شجاعت، مقاومت و روایت‌سازی، می‌تواند راهگشای بسیاری از این بحران‌ها باشد (سروش محلاتی، ۱۴۰۰؛ عبدالحی، ۱۳۹۸).

۲.۱. بحران هویت زن مسلمان در جهان معاصر

زن مسلمان امروز در میان دو قطب «تجددگرایی لجام‌گسیخته» و «سنت‌گرایی انفعالی»، دچار بحران هویتی است. از یک‌سو، گفتمان سکولار جهانی، زن مسلمان را به‌سوی برهنگی، فردگرایی افراطی و قطع از ریشه‌های فرهنگی سوق می‌دهد (Moghadam, 2002)، از سوی دیگر، برخی قرائت‌های محافظه‌کارانه و مردسالار از دین، او را به‌انزوا، خاموشی و حذف از فضای عمومی سوق می‌دهند (مطهری، ۱۳۸۷؛ نقیب‌زاده، ۱۳۹۷).

در این میان، شخصیت زینب علیها السلام با حضور فعال در عرصه‌های اجتماعی،

گفت‌وگوی گفتمانی با قدرت سیاسی، ایستادگی بر حق و حفاظت از هویت دینی، می‌تواند به زن مسلمان کمک کند تا هویتی یکپارچه، دیندار، مقاوم و در عین حال کنش‌گر را بازیابی کند (Nasr, 2005).

۲.۲. زن مسلمان در جنگ روایت‌ها: تهدیدهای رسانه‌ای و الگوسازی معکوس

امروزه، جنگ روایت‌ها به‌عنوان یکی از میدان‌های اصلی نبرد تمدنی شناخته می‌شود (Castells, 2009). زن مسلمان در روایت رسانه‌های جریان اصلی، یا به‌عنوان موجودی منفعل و وابسته ترسیم می‌شود یا در صورت فعال‌بودن، از هویت دینی‌اش جدا می‌گردد. این تصویرسازی ناقص، اثرات مخربی بر ذهنیت جهانی نسبت به زنان مسلمان دارد، حتی درون جوامع اسلامی نیز به سردرگمی ارزشی نسل‌های نو منجر شده است (Shohat, 2003).

در این وضعیت، کنش رسانه‌ای حضرت زینب (علیها السلام) در رویارویی با دستگاه تبلیغاتی یزید، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان با حفظ هویت دینی در میدان روایت وارد شد و روایت سلطه را شکست. این مدل، امروز می‌تواند مبنای بازتعریف رسانه‌گری زن مسلمان در فضای دیجیتال قرار گیرد.

۲.۳. زن مسلمان و کنش تمدنی؛ بازتعریف قدرت نرم زنانه

جهانی‌شدن با برهم‌زدن مرزهای فرهنگی و ارزشی، مفهوم کنشگری را نیز متحول کرده است. زن مسلمان امروز، دیگر صرفاً در چارچوب خانواده یا اجتماع محلی فعال نیست، بلکه بازیگری در عرصه جهانی است. در این میان، قدرت نرم مبتنی بر زبان، هنر، روایت، معنویت و مقاومت، ابزار اصلی کنشگری زن مسلمان در سطح تمدن است (Huntington, 1996؛ قانع‌راد، ۱۳۹۳).

حضرت زینب (علیها السلام) را باید نماد قدرت نرم زن مسلمان دانست؛ قدرتی که با عقل، زبان و حضور هدفمند، ساختارهای سیاسی و فرهنگی زمانه را به‌چالش کشید. الگوی زینبی می‌تواند الگوی کنشگر زن مسلمان در حوزه‌های فرهنگی، دیپلماسی عمومی، هنر متعهد و رسانه مقاومت باشد (نصر، ۱۳۸۴؛ محمدرضایی، ۱۳۹۴).

۲.۴. از الگو تا راهبرد: الزامات معاصر سازی شخصیت حضرت زینب علیها السلام

برای آنکه الگوی زینبی در زندگی زن مسلمان امروز جاری شود، باید از سطح «الگوسازی احساسی» گذشت و به «الگوپردازی راهبردی» رسید؛ به این معنا که: نهادهای علمی، دینی و فرهنگی موظف‌اند شخصیت زینب علیها السلام را در قالب مفاهیم معاصر، مانند رهبری فکری، سواد رسانه‌ای، کنشگری تمدنی و عقلانیت اجتماعی بازتولید کنند (پاک‌نژاد، ۱۴۰۲).

آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و رسانه‌ها باید از بازنمایی‌های سطحی و احساسی از شخصیت حضرت زینب علیها السلام فاصله بگیرند و زمینه‌ساز تربیت زنانی «زینب‌گونه» در فکر، تحلیل و مقاومت باشند (کلباسی، ۱۳۹۹).

باید ادبیات علمی و تمدنی درباره حضرت زینب علیها السلام توسعه یابد تا از انحصار صرفاً روضه‌محور خارج شود و در بستر علوم انسانی اسلامی، به مثابه الگویی کاربردی مطرح گردد.

۳. راهکارهای تمدنی برای معاصر سازی شخصیت حضرت زینب علیها السلام

باتوجه به چالش‌های فراروی زن مسلمان در جهان معاصر و ظرفیت‌های بی‌بدیل شخصیت حضرت زینب علیها السلام لازم است، فرآیند «معاصر سازی» این الگو به صورت هدفمند و راهبردی صورت گیرد. معاصر سازی نه به معنای سطحی سازی شخصیت‌های دینی، بلکه به معنای فعال سازی ظرفیت‌های تمدنی آنان در زیست جهان امروز است (سروش محلاتی، ۱۴۰۰؛ بهشتی، ۱۳۹۹). در این راستا، می‌توان راهکارهای زیر را در چهار محور اصلی ارائه کرد:

۳.۱. راهکارهای معرفتی و نظری

الف) بازتولید علمی شخصیت حضرت زینب در گفتمان علوم انسانی اسلامی: ضروری است شخصیت زینب علیها السلام به عنوان فاعلی خردمند و کنشگر تمدنی، نه تنها در ادبیات دینی، بلکه در گفتمان علوم انسانی نیز بازخوانی شود. تدوین نظریه‌هایی مانند

«عقلانیت روایی»، «رهبری معنوی زن»، یا «کنشگری کلامی» بر اساس سیره زینب (علیها السلام)، می‌تواند به‌ساخت بدنه نظری برای زنان مسلمان در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی کمک کند (مطهری، ۱۳۸۷؛ قانع‌راد، ۱۳۹۳).

ب). استخراج مدل‌های کنش زینبی برای سیاست‌گذاری فرهنگی: تحلیل سیره حضرت زینب (علیها السلام) از منظر مدیریت بحران، خطابه سیاسی، مدیریت روایت و حمایت از ساختار خانواده در سخت‌ترین شرایط، قابلیت استخراج مدل‌های قابل کاربرد در سیاست‌گذاری فرهنگی، تربیتی و رسانه‌ای برای زنان را دارد (کلباسی، ۱۳۹۹؛ نصر، ۲۰۰۵).

۳.۲. راهکارهای آموزشی و تربیتی

الف) تحول در محتوای آموزشی رسمی: لازم است، شخصیت حضرت زینب (علیها السلام) در برنامه درسی مدارس، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه از نگاه صرفاً تاریخی و عاطفی خارج و با تحلیل ابعاد فکری، اجتماعی و گفتمانی ایشان، زمینه‌ساز تربیت نسلی زینب‌وار شود. آموزش سواد رسانه‌ای، گفت‌وگوی تمدنی و ایستاد.

ب) تربیت مربیان و کنشگران زینبی در عرصه اجتماعی: راه‌اندازی دوره‌های تربیتی، کارگاه‌های آموزشی، و تربیت مربیان و مبلغان آگاه به سیره حضرت زینب (علیها السلام) برای حضور در مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز فرهنگی و فضای مجازی، می‌تواند به‌نهادینه‌سازی الگویی زینبی در ذهن و رفتار زنان مسلمان بینجامد (کلانتری، ۱۳۹۷).

۳.۳. راهکارهای رسانه‌ای و فرهنگی

الف). بازنمایی خلاقانه و هنرمندانه شخصیت حضرت زینب (علیها السلام) در رسانه و هنر: تولید فیلم، انیمیشن، نمایش‌نامه، سریال و محتوای دیجیتال با الهام از شخصیت حضرت زینب (علیها السلام)، با رویکردهای نو و متناسب با ذائقه مخاطب معاصر از ضرورت‌های اصلی معاصر سازی است. الگویی که نه تنها مقاومت، بلکه عقلانیت، زیبایی‌شناسی، قدرت بیان، و انسجام هویتی را منتقل کند (Shohat, 2003؛ شروش محلاتی، ۱۴۰۰).

ب). الگوسازی رسانه‌ای برای زن مسلمان کنشگر: شبکه‌های اجتماعی و سکوها‌ی دیجیتال، بستر مهمی برای الگوسازی زینبی هستند. ترویج روایت‌های موفق از زنان مسلمان فعال در عرصه‌های علمی، اجتماعی، تربیتی و بین‌المللی با الگوگیری از حضرت زینب علیها السلام، می‌تواند نقش مهمی در هویت‌بخشی و کنشگری نسل جوان ایفا کند (Castells, 2009).

۳.۴. راهکارهای بین‌المللی و تمدنی

الف) تبیین الگوی حضرت زینب علیها السلام در گفت‌وگوی بین‌فرهنگی زنان جهان: حضرت زینب علیها السلام نه تنها الگویی برای زن مسلمان، بلکه نمونه‌ای جهانی از زن مقاوم، مفسر حقیقت و فعال در عرصه عدالت‌طلبی است. بنابراین، مشارکت در گفت‌وگوهای بین‌المللی زنان و ارائه الگویی تمدنی بر مبنای زینب علیها السلام می‌تواند به معرفی زن مسلمان به عنوان حامل ارزش‌های انسانی و عدالت‌محور کمک کند (Huntington, 1996؛ پاک‌نژاد، ۱۴۰۲).

ب) تأسیس نهادهای علمی - فرهنگی با محوریت زینب‌شناسی: تأسیس اندیشکده‌ها، مؤسسات تحقیقاتی، و نهادهای بین‌المللی زن‌محور با رویکرد زینب‌پژوهی می‌تواند به تولید ادبیات علمی بین‌رشته‌ای درباره الگوی زینبی کمک کند و فضای علمی و دانشگاهی را با این شخصیت تمدنی آشنا سازد (قانع‌راد، ۱۳۹۳؛ محمدرضایی، ۱۳۹۴).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شخصیت حضرت زینب کبری علیها السلام به مثابه الگویی تمدنی، از ظرفیت بی‌بدیلی برای بازسازی هویت زن مسلمان در جهان معاصر برخوردار است. تحلیل تاریخی - تمدنی ایشان، نشان می‌دهد که حضرت زینب علیها السلام نه تنها عنصری مکمل در نهضت عاشورا، بلکه «کنشگری معنادار» در شکل‌گیری گفتمان مقاومت، هویت‌خواهی و عدالت‌محوری است. چنین ظرفیتی می‌تواند به مثابه نقطه عزیمت زن مسلمان در رویارویی با بحران‌های هویتی، چالش‌های تمدنی و سلطه‌روایت‌های غرب‌محور باشد (مطهری، ۱۳۸۷؛ سروش محلاتی، ۱۴۰۰).

یافته‌های این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که معاصر سازی شخصیت حضرت زینب (علیها السلام)، نه به معنای تاریخی زدایی یا مدرن سازی صوری، بلکه به معنای احیای وجوه عقلانی، معنوی، رسانه‌ای و گفتمانی ایشان در زیست بوم امروز است. چنان که روایت زینبی در عاشورا، تداوم بخش حقیقت طلبی و عامل حفظ حافظه جمعی امت شد، امروز نیز می‌تواند مبنای باز تولید گفتمان زن مسلمان در تمدن نوین اسلامی قرار گیرد (قانع‌راد، ۱۳۹۳؛ محمدی، ۱۳۹۸).

با توجه به این تحلیل، پیشنهادهای زیر برای ارتقاء معاصر سازی الگوی حضرت زینب (علیها السلام) قابل طرح است:

◀ پیشنهادهای نظری و پژوهشی

- حمایت از مطالعات میان رشته‌ای در حوزه «زینب پژوهی» با رویکردهای علوم اجتماعی، زن پژوهی، فلسفه دین و ارتباطات؛
- تدوین الگوهای مفهومی از عقلانیت زینبی، مقاومت زنانه و مدیریت روایت برای بهره‌برداری در علوم انسانی اسلامی؛
- بازخوانی تطبیقی شخصیت حضرت زینب (علیها السلام) با دیگر الگوهای زنانه در تمدن اسلامی و حتی ادیان دیگر (مانند مریم (س) یا خدیجه (س)) برای ارائه مدل مقایسه‌ای تمدنی.

◀ پیشنهادهای آموزشی و فرهنگی

- بازنگری در کتب درسی و منابع رسمی آموزشی برای معرفی عمیق‌تر و واقعی‌تر از شخصیت حضرت زینب (علیها السلام) با رویکرد عقلانی و اجتماعی؛
- طراحی برنامه‌های فرهنگی (مانند پویش‌های رسانه‌ای، جشنواره‌ها، نمایشگاه‌های موضوعی) حول محور «زن زینبی و زیست تمدنی».
- آموزش معلمان، مربیان و فعالان فرهنگی برای تولید و انتقال محتوای زینب محور متناسب با نیاز نسل امروز.

◀ پیشنهاد‌های سیاستی و نهادی

- راه‌اندازی مراکز مطالعاتی و اندیشکده‌های ویژه با عنوان «مرکز زینب‌پژوهی و الگوهای تمدنی زن مسلمان»؛
- تولید و ترویج محصولات فرهنگی و رسانه‌ای حرفه‌ای در تراز شخصیت حضرت زینب علیها السلام برای استفاده داخلی و بین‌المللی.
- طراحی سیاست‌های فرهنگی زنانه در جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از الگوی زینبی به‌عنوان الگویی تلفیقی از ایمان، عقلانیت، مقاومت و زیبایی‌شناسی معنوی.
- در نهایت، باید تأکید کرد که معاصرسازی شخصیت حضرت زینب علیها السلام، تنها یک طرح فرهنگی نیست، بلکه یک ضرورت تمدنی در مسیر بازتولید هویت زن مسلمان و احیای گفتمان زن اسلامی در جهان امروز است؛ ضرورتی که اگر به‌درستی شناخته و دنبال شود، می‌تواند الهام‌بخش تحول در جایگاه و نقش‌آفرینی زنان در تحقق تمدن نوین اسلامی باشد (خامنه‌ای، ۱۴۰۰؛ نصر، ۲۰۰۵).

منابع

- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۹)، نظریه گفتمان و جامعه‌شناسی دین، تهران، سمت.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸)، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. تهران، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
- سروش محلاتی، محمد (۱۴۰۰)، جایگاه حضرت زینب علیها السلام در هندسه نهضت حسینی، قم، مؤسسه فقه الثقلین.
- قانع‌راد، محمد (۱۳۹۳)، زن، تمدن و جهانی‌شدن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- محمدی، احمد (۱۳۹۸)، سیره سیاسی - اجتماعی حضرت زینب علیها السلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
- Ghamari-Tabrizi, B. (2008). Islam and Dissent in Postrevolutionary Iran: Abdolkarim Soroush, Religious Politics and Democratic Reform. I.B. Tauris.
- Nasr, S. H. (2005). The Heart of Islam: Enduring Values for Humanity. HarperOne.
- Wadud, A. (1999). Qur'an and Woman: Rereading the Sacred Text from a Woman's Perspective. Oxford University Press.
- Yavari, V. (2018). The Sacred Voice: Lady Zaynab and the Origins of Shi'a Identity. Journal of Shi'a Studies, 6(2), 45-67.